

## ارزیابی و بررسی ترجمه‌های قرآن براساس سطح نحوی - واژه‌ساختی نظریه کارمن گارسس (مطالعه موردی: ترجمه الهی قمشه‌ای، انصاریان، فولادوند، مکارم شیرازی، یزدی)

وفا الزیدی<sup>۱</sup>، رقیه صادقی<sup>۲</sup>، فاطمه شاکر اردکانی<sup>۳</sup>

### چکیده

نقد و بررسی ترجمه‌ها در چند دهه اخیر مورد توجه زبان‌شناسان و ترجمه‌پژوهان قرار گرفته است. یکی از مهمترین نظریات نقد ارزیابی کیفیت، ترجمه نظریه کارمن گارسس است که به دلیل مؤلفه‌هایی که در تعیین کیفیت متون ترجمه شده و تطابق آنها با متن مبدأ دارد، می‌تواند نظریه‌ای مناسب برای نقد کیفیت ترجمه‌های قرآن کریم باشد. پژوهش حاضر براساس اهمیت غیرقابل انکار این مدل در ارزشیابی کیفی ترجمه قرآن بانکیه بر سطح نحوی - واژه‌ساختی الگوی گارسس در نظر دارد ترجمه‌های ارائه شده مترجمانی مانند مکارم شیرازی، الهی قمشه‌ای، انصاریان، فولادوند و یزدی را به‌طور مختصر ارزیابی کند. یافته‌های پژوهش حاضر که مبتنی بر روش تحلیلی - توصیفی است نشان می‌دهد برخی از مترجمین در برخی از تکنیک‌های الگوی گارسس بهتر عمل کرده و در برخی دیگر از تکنیک‌ها عملکرد ضعیفی از خود به‌جا گذاشته‌اند. برای مثال مکارم شیرازی در بحث قبض نحوی یا الهی قمشه‌ای در تغییر نحوی، عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته‌اند. گاهی نیز مترجمان در ترجمه تحت‌اللفظی لغزش‌هایی داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، نظریه کارمن گارسس، سطح نحوی - واژه‌ساختی،

ارزیابی ترجمه قرآن.

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی شهیده بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: Wafaa.alzaidi15@gmail.com

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی شهیده بنت‌الهدی، جامعه

Email: sadeghi.roghayeh@gmail.com

المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۳. مربی گروه زبان و ادبیات، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: shaker93@yahoo.com

## ۱. مقدمه

متون مختلف ادبی، داستانی، دینی و... از دیرباز تاکنون مورد توجه صاحب نظران عرصه ادبیات و نقد ادبی بوده اند. عده ای با نگاه انتقادی و با ابزار مقبولیت عامیانه و مسائل سلیقه ای به این متون ترجمه شده نگرسته و در پی استخراج معایب و محاسن آن بوده اند. امروزه مطالعات ترجمه به شاخه علمی میان رشته ای بدل شده که بسیار روش مند و نظریه محور است و دیگر محدود به بررسی صحیح و غلط بودن یک ترجمه نیست. نقد ترجمه در قالب یک زمینه پرکاربرد مطالعات ترجمه در تمام زمینه های متنی و فرامتنی یک اثر ترجمه ای فعالیت کرده و از واژگان تا مؤلفه های فرامتنی را بررسی می کند. این متن بیش از هر چیز با انتخاب های ترجمه ای مترجمان و چرایی آنها سروکار دارد. (فرحزاد، ۱۳۹۰، ص ۲۹) بنابراین، ارزیابی ترجمه برای اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه امری ضروری و اهمیت آن در متون مذهبی به ویژه قرآن کریم دوچندان است. اسلام آیینی جهان شمول است که بر پایه قوانین الهی به ودیعه نهاده شده در قرآن بنا شده است. ساده ترین راه دستیابی به این قوانین و رسیدن به کمال بشری ترجمه هرچه دقیق تر آن است. به همین دلیل، اهمیت ترجمه قرآن با روش اصولی، برخاسته از اهمیت و موقعیت دین اسلام است.

باتوجه به اینکه قرآن کریم متنی است با ساختارها و روش های بیانی ادبی فراوان، مترجمین باید با اشراف کامل به قواعد زبانی و لغوی متن مبدأ در انتقال معنا یا تأثیر بر مخاطب اهتمام ویژه ای داشته باشند؛ زیرا ترجمه، پل ارتباطی میان متکلم و مخاطب است که زبان مبدأ را نمی تواند بفهمد. به همین دلیل باید به بهترین صورت در اختیار مخاطب قرار گیرد تا متوجه مراد اصلی متکلم شود. بنابراین، ترجمه های مختلف قرآن باید براساس یک الگوی مطرح و مورد قبول باشد. یکی از معتبرترین نظریه های ترجمه که تا حدود زیادی در مجامع علمی برای خود عرصه و جایگاه ویژه ای پیدا کرده نظریه خانم کارمن گارسس است که چهار سطح معنایی - لغوی، نحوی - واژه ساختی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - منظورشناختی دارد. این نظریه سطوح متفاوتی دارد که از بین آنها سطح نحوی - واژه ساختی براساس شاهد مثال های

استخراج شده از ترجمه آیات توسط مترجمینی مانند الهی قمشه‌ای، انصاریان، فولادوند، مکارم شیرازی و یزدی مورد نظر پژوهش حاضر قرار گرفته است. بدیهی است که کاربست سایر سطوح به دلیل گستردگی در مقاله حاضر نمی‌گنجد و مجال دیگری را می‌طلبد.

ابتدا به طور اجمالی، الگوی گارسس معرفی می‌شود و پس از آن موارد کاربست این نظریه براساس شاهد مثال‌های استخراج‌شده از ترجمه‌های مترجمان مورد نظر باتکیه بر سطح نحوی - واژه‌ساختی بررسی می‌شود. در مورد نقد ترجمه متن‌های عربی به فارسی در ایران کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های فراوانی نوشته شده است که در ادامه به برخی آنها اشاره می‌شود. در مورد پژوهش‌هایی که با الگوهای نقد ترجمه متون نگارش شده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب فن ترجمه از دکتر یحیی معروف که در آن روش‌های مناسب برای معادل‌یابی واژگان معرفی شده است. کتاب ورشه التعریب نوشته طهماسبی و نقی‌زاده که به صورت تخصصی به موضوع ترجمه متن‌ها از فارسی و عربی می‌پردازد. نصیری در کتاب روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی در خلال معرفی مفهوم ترجمه و انواع آن، مفاهیم زبان مبدأ و مقصد را بررسی می‌کند.

در بخش پایان‌نامه‌ها می‌توان به بررسی ساختاری حسن تعبیر در فارسی نوشته بیاتی اشاره کرد که در آن انواع فرایندهای زبانی که در امور حسن تعبیر در فارسی دخالت دارد بررسی می‌شود. نورآبادی در تحلیل زبان شناختی فرایند حسن تعبیر فارسی و جایگاه آن در مواد آموزشی زبان فارسی برای غیر فارسی‌زبانان برای آموزش به غیر فارسی‌زبانان راهکارهایی ارائه کرده است. در بخش مقالات نیز می‌توان به مقاله بررسی زبان شناختی به‌گویی در زبان فارسی نوشته بدخشان و موسوی اشاره کرد که به شیوه‌های ساخت به‌گویی‌ها و طبقه‌بندی آنها در زبان فارسی می‌پردازد. در ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه) نوشته متقی‌زاده و نقی‌زاده و نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن از آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴) می‌توان به ارزیابی نوشته محمدحسن امرایی اشاره کرد. علی اسودی و خدیجه احمدی بیغش در مقاله

ارزیابی حسن تعابیر قرآنی در برخی از ترجمه های فارسی براساس مدل گارسس علاوه بر تبیین مبانی نظری گارسس، پاره گفته ها و واژه های اشاره شده در قرآن را نیز تبیین کرده اند. پژوهشی دیگر که به طور خاص به موضوع نقد و تحلیل ترجمه قرآن کریم پرداخته است مقاله نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم از محمد رحیمی خویگانی است که باتکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس به بررسی ترجمه می پردازد. باتوجه به اینکه الگوی گارسس در حوزه ترجمه به معنی عام آن ارائه شده است و مخصوص به زبان خاصی نیست و چون در زبان عربی به ویژه در حیطه ترجمه قرآن، آثار معدودی در این مدل نوشته شده است پژوهش حاضر که ترجمه قرآن براساس سطح نحوی - واژه ساختی الگوی مذکور را بررسی می کند در شمار پژوهش های اختصاصی در عرصه نقد ترجمه قرآن از این نظر محسوب می شود.

## ۲. معرفی الگوی ترجمه کارمن گارسس

خانم کارمن والرو گرسس متولد ۱۹۵۸ میلادی در اسپانیا است که اکنون با مقام علمی استاد تمام در دانشگاه آلکالا در شهر مادرید فعالیت می کند. وی عضو انجمن زبان شناسی کاربردی اسپانیا است. (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷) او همچنین مدیر برنامه آموزش ترجمه و استاد ارتباطات بین فرهنگی، عضو انجمن ارتباطات آمریکا - اسپانیا، عضو شبکه اروپایی کارشناسی ارشد ترجمه DGT است و از سال ۱۹۹۵ تاکنون عهده دار برگزاری کنفرانس جهانی ترجمه است. کارمن گارسس در سال ۱۹۹۴ میلادی نظریه خود را به حوزه نقد ترجمه ارائه کرد و از دید کارشناسان عرصه ترجمه، نظریه او یکی از کامل ترین نظریات در حوزه نقد ترجمه است. گارسس مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده است که مرکب از مدل پیشنهادی وینه، داربننه و آرای دیگر صاحب نظران در امر ترجمه مانند نایدا، نیومارک، دلیسل، مونن، نوبرت و سنتویو پانوری است (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹، ص ۴۳). به عقیده گارسس، تعادل و هماهنگی بین متن اصلی و متن ترجمه، شرط اصلی ترجمه است و هرچه مترجم به این تعادل پای بندتر باشد سطح کیفی ترجمه اش نیز بالاتر می رود (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸).

گارسس معتقد است ترجمه باید دو عنصر کفایت و مقبولیت را داشته باشد. کفایت و مقبولیت متن ترجمه از نظر گارسس در گرو این است که مترجم علاوه بر توجه به عناصر زبانی و معنایی متن مبدأ به میزان پذیرش این ترجمه وفادار توسط خوانندگان نیز توجه داشته باشد. همچنین مترجم باید قواعد و اصولی را رعایت کند تا ترجمه‌اش بیشترین شباهت و هماهنگی را با متن اصلی داشته باشد. گارسس چهار سطح را در نظریه خود ارائه کرده است تا باتکیه بر آن بتوان سازگاری موجود میان متن اصلی و متن ترجمه شده را ارزیابی و بررسی کرد. این چهار سطح عبارتند از: سطح معنایی - لغوی، سطح نحوی - واژه ساختی، سطح گفتمانی - کارکردی و سطح سبکی - علمی. براساس گفته گارسس گاهی اوقات این سطوح تشابه زیاد و تداخل در یکدیگر دارند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸). هرکدام از سطوح مطرح شده در الگوی گارسس از زیرمجموعه‌های خاصی تشکیل شده‌اند که در اینجا سطح نحوی - واژه ساختی بررسی می‌شود. اجزای موجود در این سطح عبارتند از: ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر نحو یا صورت، تغییر دیدگاه یا بیان، توضیح و بسط معنا، تلویح، تقلیل و حذف، جبران، تغییر در نوع جمله. برخی از آنها جزو ویژگی‌های مثبت هستند که کیفیت ترجمه را بالا می‌برند. برخی نیز جزو ویژگی‌های منفی در ترجمه و پایین آمدن اعتبار آن هستند. بنابراین، ترجمه‌ها براساس ویژگی‌های مثبت و منفی بیان‌گر کیفیت و دو معیار مقبولیت و کفایت بررسی می‌شوند.

### ۳. تطبیق نظریه گارسس در ترجمه‌های قرآن کریم

#### ۳-۱. ترجمه تحت‌اللفظی

در این نوع ترجمه، عناصر سازنده جمله در متن مبدأ با معادل‌های معنایی خود در متن مقصد جایگزین می‌شود. در این صورت، ساختار نحوی جمله در زبان مبدأ در شکل و قالب جمله زبان مقصد ارائه می‌شود. کاربرد ترجمه تحت‌اللفظی هنگامی است که بین ساختار و معنای دو بخش از متن مبدأ و مقصد مطابقت و هماهنگی وجود داشته باشد. گارسس اعتقاد دارد زمانی که ترجمه تحت‌اللفظی از اندازه واژه فراتر رود کار رفته رفته دشوارتر می‌شود. (حقانی، ۱۳۸۶،

ص ۱۵۲) او بین ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه یک‌به‌یک تفاوت قائل است و معتقد است ترجمه یک‌به‌یک نسبت به ترجمه تحت‌اللفظی رایج‌تر است. در این شیوه، دغدغه اصلی مترجم این است که چیزی در ترجمه کم یا زیاد نشود. بنابراین، جزو ترجمه‌های مقید به متن است و در حفظ امانت متن تلاش می‌کند. برای مثال به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

نمونه ترجمه یزدی: «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي؛ پس باید دعوت مرا بپذیرند و باید به من ایمان بیاورند» (بقره: ۱۸۶).

گاهی ساختار متن مقصد با مبدأ یکسان است که در این حالت، ترجمه تحت‌اللفظی یک ویژگی مثبت تلقی می‌شود مانند تشابه جمله اسمیه در زبان عربی با جمله اسمیه فارسی در برخی موارد (معروف، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰) که در ترجمه نیاز به جابجایی اجزای جمله ندارد. نمونه ترجمه مکارم شیرازی: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» (حجرات: ۱۳).

بدیهی است که توجه اصلی ترجمه تحت‌اللفظی، وفاداری به ظاهر لفظ است، ولی میزان موفقیت آن در انتقال ژرفای پیام و معانی مشخص نیست. بنابراین، در ترجمه متون مقدس مانند قرآن نباید هیچ امری بر انتقال درست مفهوم تقدم پیدا کند. نمونه ترجمه مکارم شیرازی: «لَيْسَ السَّالُّونَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ؛ به این منظور که خدا راست‌گویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند» (احزاب: ۸). در این مورد ترجمه تحت‌اللفظی از ویژگی‌های منفی به‌شمار می‌آید و باعث بدشکلی در متن مقصد می‌شود؛ زیرا ترجمه روان این آیه براساس دستور زبان فارسی به این صورت است: «به این منظور که خدا از راست‌گویان درباره صدقشان سؤال کند».

### ۳-۲. تغییر نحو (دستورگردانی)

گاهی مترجم مجبور به تغییر اجزای کلام و تعدیل و تغییر در ترجمه است؛ یعنی تغییرات ساختاری را بدون تغییر مفهوم در متن ایجاد می‌کند؛ زیرا در ترجمه افزون بر برگردانی عناصر معنایی و واژگانی باید ساختار نحوی زبان مبدأ نیز به زبان مقصد انتقال یابد. (صیادانی و

همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲) یوجین نایدا یکی از نظریه‌پردازان در حوزه ترجمه تأکید دارد که مترجم باید نهایت سعی خود را در انتقال پیام به مخاطب داشته باشد. بنابراین، تغییرات در ساختار نحوی برای رساندن پیام گاهی امری اجتناب‌ناپذیر است (صلح‌جو، ۱۳۸۵، ص ۶۸). وی ترجمه را اینچنین تعریف می‌کند: «ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد؛ نخست از نظر معنا، سپس از نظر سبک» (سعیدیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵). این تکنیک که براساس الگوی گارسس ویژگی مثبت و افزایشی است هنگامی انجام می‌شود که در زبان مبدأ و مقصد، ساختار دستوری مشابهی وجود نداشته باشد، با ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه خوبی ارائه نشود یا بتوان خلأ واژگانی را با ساختار نحوی جدید جایگزین کرد.

### ۳-۲-۱. تبدیل فعل به اسم

نمونه ترجمه معزی و مکارم شیرازی: «أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ؛ معزی: پناه به پروردگار مردم». مکارم شیرازی: «پناه می‌برم به پروردگار مردم» (ناس: ۱). معزی در این آیه، جمله را به صورت مفرد ترجمه کرده است؛ اما مکارم شیرازی سعی کرده ترجمه را به همان صورت فعلی انجام دهد.

### ۳-۲-۲. تبدیل اسم به فعل

نمونه ترجمه مکارم شیرازی: «وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت و در برابر آن مسئولند». (احزاب: ۱۵) در ترجمه آیه بالا به دلیل فقدان معادل در فارسی، اسم مفعول به فعل تبدیل شده است و این تغییر نحو، تکنیک مثبتی به شمار می‌رود. نمونه ترجمه یزدی: «قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ؛ می‌گویند: ما با شما هستیم و جز این نیست که ما (با اظهار ایمان، مؤمنان را) مسخره می‌کنیم» (بقره: ۱۴). این آیه نیز نمونه دیگری از دستورگردانی است که مترجم اسم فاعل را به صورت فعل ترجمه کرده است.

۳-۲-۳. تمییز

تمییز از ساختارهایی است که ترجمه دقیقی در زبان فارسی ندارد. (معروف، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵) نمونه ترجمه انصاریان: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثَرُوا أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا؛ همه شما منافقان و کافران در نفاق و کفر مانند کسانی هستید که پیش از شما بودند. آنان از شما نیرومندتر و اموال و فرزندانشان بیشتر بود» (توبه: ۶۹). در این آیه، مترجم برای ترجمه تمییز مجبور به تغییر نحوی است و براساس الگوی گارسس این ترجمه نوعی تکنیک مثبت تلقی می شود.

۳-۲-۴. مفعول مطلق

نمونه ترجمه مکارم شیرازی: «وَلِيْلِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا؛ تا مؤمنان را از این طریق به خوبی امتحان کند». (انفال: ۱۷) نمونه ترجمه فولادوند: «وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ؛ [این] وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن برعهده اوست» (توبه: ۱۱۱). ساختار مفعول مطلق در زبان عربی ترجمه معادلی در زبان فارسی ندارد. به همین دلیل در دستور فارسی به صورت ساخت دستوری قید (قید تأکید، قید تشبیه، قید مقدار، قید نفی) ترجمه می شود (قلی زاده، ۱۳۷۹، ص ۹۲). همان گونه که در آیات مشاهده شد مترجمین در ترجمه خود از قید و صفت برای معادل یابی مفعول مطلق استفاده کرده اند.

۳-۲-۵. تبدیل مضاف و مضاف الیه به موصوف و صفت

براساس یک قانون کلی برای داشتن تعابیر شیوا در ترجمه فارسی، مضاف و مضاف الیه عربی گاهی به شکل صفت و موصوف ترجمه می شود. بنابراین، گاهی اوقات مترجم در ترجمه مضاف و مضاف الیه ناچار است تغییر نحوی ایجاد کند و ترجمه را به صورت صفت و موصوف بیاورد. نمونه ترجمه الهی قمشه ای: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ؛ (در آخرت) برای متقیان نزد پروردگارشان باغ های بهشت پر نعمت خواهد بود» (قلم: ۳۴). بیشتر مترجمین ترکیب «جنت النعیم» را به صورت ترکیب وصفی ترجمه کرده اند که اگر براساس ترکیب اضافی ترجمه شود باید



تعبیر بهشت‌های نعمت را همان‌طور که معزی و برخی دیگر از مترجمین ترجمه کرده‌اند به کار برد، هرچند در زبان فارسی زیاد تعبیر شیوایی نیست.

### ۳-۳. توضیح (بسط معنایی)

مترجم گاهی بخشی از متن را که معنای آن برای فهم بهتر لازم و ضروری است، توضیح می‌دهد. این شیوه مانند قبض و بسط نحوی مخصوص همه زبان‌هاست. (نیومارک، ۱۹۸۸، ص ۹۴) در همه زبان‌ها کلمات بسیاری در مورد یک موضوع وجود دارد. برای مثال در زبان عربی کلمات زیادی برای شتر وضع شده است که مترجم ناگزیر به بسط معنا در ترجمه خود می‌شود (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴). نمونه ترجمه الهی قمشه‌ای: «ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ؛ این (فتح و غلبه در جنگ به خواست خدا) شما را نصیب شد و محققاً خدا بی‌اثرکننده مکر کفار است» (انفال: ۱۸). نمونه ترجمه انصاریان: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ؛ يَقِينًا ما امانت را [که تکالیف شرعیه سعادت‌بخش است] بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم» (احزاب: ۷۲). نمونه ترجمه فولادوند: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند [آری، خدا چنین کرد تا کافران را مغلوب کند]» (انفال: ۱۷). همان‌طور که در ترجمه‌های بالا اشاره شد مترجمین در تعیین مصداق مفاهیم، تصریح مفاهیم ضمنی و تصریح به واژگان محذوف از این تکنیک در ترجمه خود استفاده کرده‌اند.

### ۳-۳-۱. تعبیر مجهول به معلوم و برعکس

از آنجاکه کاربرد فعل مجهول در زبان فارسی نسبت به عربی بسیار کمتر است اگر در ترجمه فارسی نیز به صورت مجهول ترجمه شود باعث ایجاد متنی غیرطبیعی و ساختار نامناسب می‌شود. بنابراین، مترجم برای رفع این اشکال در ترجمه فارسی فعل‌های مجهول و لازم در زبان عربی را به صورت مشابه و یکسان ترجمه می‌کند. به عبارتی، فعل‌های مجهول عربی را می‌توان در فارسی معلوم و لازم ترجمه کرد. (ناظمیان، ۱۳۸۱، ص ۷۱) نمونه ترجمه الهی قمشه‌ای: «وَلَوْ

دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا؛ و اگر دشمنان دین از اطراف به شهر و خانه‌شان (از پی غارت) هجوم آرند» (احزاب: ۱۴).

### ۳-۳-۲. بیان حال به محل و بالعکس

گاهی اوقات کلمه در معنای حقیقی به کار نرفته است و معنای مجازی آن در ترجمه به کار می‌رود. در برخی مواقع، متن ترجمه شده براساس الگوی گارسس از شیوه تغییر دیدگاه شمرده می‌شود. نمونه ترجمه انصاریان: «فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ؛ پس [اگر بخواهد] اهل مجلس و انجمنش را [برای یاری دادنش] فراخواند» (علق: ۱۷). در این آیه، کلمه نادى که معنای حقیقی محل اجتماع است به صورت مجازی یعنی، اهل مجلس به کار رفته است. بنابراین، لفظی بر محل (مجلس) وضع شده که در معنی حال آن (اهل مجلس) به کار رفته است (ظهیری، ۱۳۸۷، ۱۱۷۲/۲). نمونه ترجمه الهی قمشه‌ای: «وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ و اما روسفیدان در رحمت خدا (یعنی بهشت) درآیند و در آن جاوید متنعم باشند» (آل عمران: ۱۰۷). در این آیه مراد از رحمت، بهشتی است که رحمت در آن جا می‌گیرد و در لفظ، رحمت مجاز مرسل از باب اطلاق حال و اراده محل است؛ یعنی در بهشت؛ زیرا آنجا محل نزول رحمت هاست (زحیلی، ۱۴۱۸، ۳۱/۴).

### ۳-۴. جبران

هنگامی که با ترجمه متن اصلی به صورت تحت اللفظی برخی از ویژگی‌های متن مبدأ در ترجمه از دست رود، مترجم با تکنیک جبران با استفاده از شیوه‌هایی غیر از آنچه در متن مبدأ به کار رفته تأثیرات مشابهی در متن مقصد ایجاد می‌کند و به جبران از دست رفتن ویژگی‌ها و افت کیفیت معنا در متن مبدأ می‌پردازد (فرحزاد، ۱۳۹۴، ص ۳۳). نمونه ترجمه فولادوند: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ؛ خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد» (توبه: ۶۷). مترجم حرف فاء را با استفاده از کلمه نیز در ترجمه انتقال داده است.

### ۳-۵. تلویح، تقلیل و حذف

منظور از تلویح، سخنی است که در خلال سخن دیگر بیان می‌شود، در متن مبدأ به طور صریح اشاره شده است، ولی در متن مقصد به طور ضمنی بیان می‌شود. تقلیل و حذف یعنی، مترجم با بکارگیری این فنون برای افزایش کیفیت متن ترجمه شده تلاش می‌کند. دقت در انواع روش ترجمه مشخص می‌کند که مترجمان در ذکر محذوف، رویکرد واحدی ندارند و از معیار خاصی پیروی نمی‌کنند، البته مترجم در قبال هر کلمه‌ای که حذف یا کم می‌کند باید پاسخ‌گو و امانت‌دار باشد، هرچند می‌توان در متون نامعتبر، کشفیات را حذف یا تقلیل داد. (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵) این روش برعکس تکنیک بسط معنایی است. نمونه ترجمه مکارم شیرازی: «فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ؛ در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود» (قارعه: ۷). در این ترجمه حذف صورت گرفته است به طوری که مترجم واژه فهو را ترجمه نکرده و حذف صورت گرفته است. نمونه ترجمه مکارم شیرازی: «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؛ او تمام آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند» (حجرات: ۱۶). مترجم کلمه الله تصریح شده در آیه را به طور تلویحی با ضمیر ترجمه کرده است. نمونه ترجمه انصاریان: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس‌گذار خواهد بود یا ناسپاس» (انسان: ۳). مترجم در ترجمه آیه شریفه هم از تقلیل و هم از حذف ادات تأکید استفاده کرده است.

### ۳-۶. تغییر در نوع جمله

در این روش مترجم نوع جملات متن اصلی را در متن ترجمه شده به ضرورت یا به اشتباه تغییر می‌دهد. برای مثال جمله انشایی به خبری و برعکس، جمله ساده به مرکب یا مختلط و برعکس یا وجه جمله عوض می‌شود. این روش در الگوی گارسس از تکنیک‌های خنثی محسوب می‌شود. نمونه ترجمه یزدی: «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا؛ وگفتند یهودی یا مسیحی باشید آن‌گاه است که هدایت می‌شوید» (بقره: ۱۳۵). در این آیه مترجم وجه التزامی را به صورت خبری ترجمه کرده است. نمونه ترجمه فولادوند: «إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا؛ مگر آنکه بخواهید به

دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید» (احزاب: ۶). در این آیه نیز فعل ساده به صورت مرکب ترجمه شده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در ارزیابی ترجمه‌های قرآن براساس سطح نحوی واژه‌ساختی الگوی گارسس و تطبیق آن نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نمی‌توان درباره مثبت یا منفی بودن تکنیک‌های الگوی گارسس به طور کلی قضاوت کرد. برخی از این تکنیک‌ها در شرایط خاصی و با توجه به میزان ضرورتشان می‌توانند جزو ویژگی‌های مثبت یا منفی باشند. بیشترین کارآمدی در ترجمه قرآن از بین مؤلفه‌های سطح نحوی واژه‌ساختی الگوی گارسس، تغییر نحو تغییر مقوله و بست معنایی است، پس از آن تکنیک جبران نیز با توجه به اهمیت چگونگی انتقال نکات بلاغی از ویژگی‌های کارآمد به شمار می‌رود. گارسس در الگوی خود ترجمه تحت الفظی را به دلیل ارتباط کم با زبان مقصد از ویژگی‌های منفی ترجمه می‌داند، اما در ساختارهای مشابه زبان مبدأ و مقصد امری منفی نیست و مترجمین آن را در قالب مؤلفه‌ای مثبت در انتقال مفاهیم به کار برده‌اند. در بحث تغییر نحو نیز باید به کارکرد آن در ترجمه توجه کرد. در جایی که جایگاه کلمات به دلیل ساختاری در متن مقصد تغییر کند این تغییر مثبت است و اگر تغییر نحو معارض با حفظ نکات بلاغی است باید از روش دیگری مانند جبران استفاده کرد که مترجمین تلاش می‌کنند به این نکات در ترجمه خود دقت کنند. مترجمین با استفاده از تغییر مقوله و دیدگاه به ترجمه مفاهیم پرداخته‌اند تا از بدشکلی ترجمه اجتناب و به حفظ نشاننداری ساختار متن مبدأ کمک کنند. توضیح یا بسته معنایی نیز از تکنیک‌هایی است که بسته به ضرورت آن با توجه به رویکرد ترجمه قابل تغییر است؛ یعنی در ترجمه مقصدگرا مترجمین برای انتقال بهتر معانی و مفهوم بیشتر از آن استفاده می‌کنند. در بحث تلویح تقلیل و حذف، برخی از مترجمین مانند مکارم شیرازی تا حدودی موفق‌تر عمل کرده و برخی نیز مانند الهی قمشه‌ای با توجه به رغبت بیشتر به ارائه ترجمه مفهومی و توضیحی استفاده کمتری از این روش کرده‌اند. تغییر در نوع جمله یا دگربینی از روش‌هایی است که برای

ارزیابی کیفی ترجمه قرآن چندان کاربردی نیست هرچند براساس نظر گارسس، شیوه‌ای مفید است. بنابراین، مترجمین در شرایط خاصی از آن استفاده کرده‌اند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۴). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: جاجرمی.
- \* قرآن کریم (۱۳۹۳). مترجم: انصاریان، حسین. تهران: نشر تلاوت.
- \* قرآن کریم (۱۳۹۸). مترجم: فولادوند، مهدی. قم: پیام عدالت.
- \* قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- \* قرآن کریم (۱۳۸۶). یزدی، محمد. قم: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- ۱. حقانی، نادر (۱۳۸۶). نظرها و نظریه‌های ترجمه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲. رشیدی، ناصر، و فرزانه، شهین (۱۳۸۹). مقاله ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس. نشریه زبان پژوهی، ۳ (۲)، ۵۷-۱۰۸.
- ۳. سعیدیان، اسماعیل (۱۳۸۷). اصول و روش کاربردی ترجمه. تهران: نشر راهنما.
- ۴. صلح‌جو، علی (۱۳۷۶). بحثی در مبانی ترجمه (مجموعه مقالات درباره ترجمه زیر نظر نصرالله پورجوادی). تهران: مرکز نشر.
- ۵. صیادانی، علی، و همکاران (۱۳۹۶). نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان قلب‌اللیل با عنوان دل شب براساس الگوی گارسس. نشریه پژوهش‌های ترجمه در زبان ادبیات عربی، ۱۶ (۱۴)، ۸۷-۱۱۸.
- ۶. ظهیری، عباس (۱۳۸۷). تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۷. فرحزاد، فرزانه (۱۳۹۴). فرهنگ جامع مطالعات ترجمه. تهران: علمی.
- ۸. فرحزاد، فرزانه (۱۳۹۰). نقد ترجمه: ارائه مدل سه‌وجهی. نشریه پژوهشنامه، شماره ۸۸، ۲۹-۴۸.
- ۹. قلی‌زاده، حیدر (۱۳۷۹). مفعول مطلق و معادل ساختاری آن (براساس ساختار زبانی قرآن کریم). نشریه بینات، ۲۶ (۷)، ۹۰-۱۰۷.
- ۱۰. معروف، یحیی (۱۳۹۷). فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی. تهران: سمت.
- ۱۱. ناظمیان، رضا (۱۳۸۱). روش‌های در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: سمت.
- ۱۲. نیازی، شهریار، و قاسمی‌اصل، زینب (۱۳۹۷). الگوهای ارزیابی ترجمه (باتکیه بر زبان عربی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.